

از لابلای نیشته های روزمره

## نتیجه عملکرد های نظامیان خارجی در کشور

### تبدیل افغانستان به باتلاق مرگ

تاریخ، بصورت مکرر و باربار شاهد طفره رفتن ها، از میدان بدر شدن ها، از عقب خنجر زدن ها، بازیهای دوگانه و چند گانه، از بار مسولیت شانه خالی کردن ها و ۰۰۰ بوده و در بسیاری از مواقع، چنین پیشآمدها را نیز ناظر بوده ایم که بعضی از حلقات و گروهها، بمنظور توجیه کرده ها و کارکردهای شان به انواع وسایل و حیل های گوناگونی متوسل میگرددند، "اینجا چنین کردیم که چنین شد و رنه چنان میشد ۰۰۰"، از این قبیل مسایل فراوان شنیده شده و همچنان بگوش میرسد ۰ چون حرف و سخن از موضع قدرت در میان میباشد، بنأء به بهانه های مختلفی متوسل گردیده و میخواهند با چنین اقداماتی به چشم دیگران خاک زده و با خاطر جمعی به تطبیق عملی پروگرامها و پلانهای مرتبه شان بپردازند ۰

به ارتباط مسایل متذکره باید یادآور شد که وزیردفاع ایالات متحده بتاريخ ۵ ماه نوامبر سالروان طی سخنرانی در عرشه کشتی ایالات متحده بنام "تئودور روزولت" اظهار داشت که چنانچه میدانیم در عراق و افغانستان، سخن در مورد شکست مخالفان مسلح مطرح نبوده، بلکه اینست که آنها را در همین وضعیت نگهداشته و پیروزی ها را تحکیم بخشیم ۰

از جانب دیگر، جان کمپل قوماندان نیروهای بین المللی در افغانستان، بتاريخ ۲۸ دسامبر سال ۲۰۱۴ در مورد شرایط و اوضاع امنیتی در افغانستان اظهار داشت که "ما شورشیان را شکست داده و آنها را از دسترسی به اهداف شان نا امید ساختیم ۰"

مسوولان نظامی امریکایی اظهار میدارند که وضعیت امنیتی در افغانستان از ثبات لازم برخوردار نبوده و خطرات زیادی بخصوص خارجیان موجود در کشور را تهدید مینماید ۰ شورشیان در گوشه و کنار کشور به حملات پرداخته و به اقدامات مسلحانه ای متوسل میگرددند ۰ بسیاری از حملات علیه اشخاص بیگانه و موسسات خارجی در کشور انجام میپذیرد ۰ تشدد طلب ها در ارتباط مستقیم با شبکه های طالب ها و سایر سازمانهای مسلح مخالف بوده و در سایر ولایت های کشور فعال میباشند ۰

قابل یادآوری میباشد که بتاريخ ۲۸ دسامبر سال پار، در کابل طی مراسم پررنگ نظامی، جایگزینی

سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در رأس نیروهای بین المللی تأمین امنیتی (ایساف) صورت گرفت، قبلاً این مسولیت بدوش ایالات متحده و ناتو بود. طی مراسم متذکره، رسماً اعلام گردید تا در مورد آمادگیها بمنظور پشتیبانی از قوای مسلح افغانستان تحت پروگرام "حمایت قاطع" به اقداماتی متوسل گردند که میتوان آنرا پس از آنکه رئیس جمهور جورج بوش دستور حمله به افغانستان را بتاريخ ۷ اکتبر سال ۲۰۰۱ صادر و ابلاغ نمود، بمثابة اقدام قابل توجهی در عرصه نظامی - سیاسی محسوب نمود.

از مقامات بلند رتبه ایکه در این مراسم شرکت ورزیدند، از جمله یکی هم جان کمپل قوماندان نیروهای خارجی در افغانستان بود، نامبرده در ضمن بیانیه اش اظهار داشت که " ما مردم افغانستان را از تاریکیها نجات داده و امید به آینده را برایشان بارمغان آوردیم. همه کوشش خود را بخرچ دادیم تا کشور افغانستان بیش از پیش قویتر شده و کشورهای ما در امن و امنیت باشد."

نامبرده بطرز زیرکانه ای این مسأله را اصلاً نادیده گرفت که آنها بمنظور تأمین و حفظ امنیت خودی باین امر مبادرت ورزیده اند تا در نظر داشت منافع علیای افغانستان، مطابق معلومات و وسایل اطلاعات جمعی، بعلت موجودیت خطر حملات مخالفان مسلح، حد اعظم سعی بخرچ داده شد تا مراسم متذکره بصورت بی سروصدا برگزار گردد. باید یادآوری بعمل آید که در این اواخر، بتعداد حملات مسلحانه مخالفان، بیش از هر زمان دیگر افزایش بعمل آمده است.

البته در بسا از حالات و وضعیت، ضرورت آن احساس میگردد تا با سعی فراوان از اعلام نمودن رسمی بسی از وقایع و حوادث باید اجتناب بعمل آید و از آنجاییکه اجتناب و خودداری از اقدامی که سبب تقبل ریسکی شده و بنفع جنگجویان منتهی گردد، قابل تأمل میباشد. نباید فراموش نمود که بطور مشابه، سفر بارک اوباما به افغانستان طی ماه می سال ۲۰۱۴ و همچنان سفرهای دیوید کامرون صدراعظم انگلستان در ماه اکتبر سال قبل و نیز سفر ستولن برگ سکرتر جنرال ناتو طی ماه نوامبر سال متذکره به کشور ما، مخفی و سری نگهداشته شد.

عجبا، از سفرهای اینچنینی رهبران و مسولان دسته بندیهای مربوطه، لب به سخن نمی گشایند، این بسیار عجیب بنظر میرسد که آنها قادر نیستند و نمیتوانند به کشوری که اردوهای آنها سالهای سال مبارزه نموده و نظامیان شان در آنجا کشته شدند، بصورت آشکار و واضح به آن سفر نموده و به بازدید از آن بپردازند.

در یادداشتهای وزارت امور خارجه ایالات متحده از جمله میخوانیم:

" وضعیت امنیتی در افغانستان بینهایت بی ثبات بوده و تهدیدهای علیه امریکاییان در حال گسترش میباشد." • مسأله فوق قابل فهم می باشد، حل و فصل این جدولهای کلمات متقاطع، نتایج وحشتناکی ببار خواهد آورد، اینهمه در کشوری رخ مینماید که با فساد اداری دست و پنجه نرم نموده، شکست سیاسی در آن بوضوح بنظر میرسد، ورشکستگی و فقر اقتصادی در آن بیداد میکند، در بخشهای باقیمانده کشور که توسط جنگجویان اداره میگردد، کونار زرع گردیده که از مدرک فروش و تجارت این محصول بدنام، مقادیر هنگفت مالی و پولی بمنظور تداوم جنگ و برادر کشی بدست میآورند. مطابق اطلاعات و گزارشهای منابع خبری، افغانستان نه تنها بمثابة محل و منبع کشت، زرع و تولید مواد مخدر شناخته شده بلکه تعداد مصرف کنندگان این ماده کشنده نیز در کشور ما روبافزایش میباشد. طبق احصائیه های موجود

با کمال تأسف که در کشور عزیز ما در حدود سه میلیون تن محتاط به مواد مخدر میباشند، این تعداد دوسال قبل به پنجصد هزار نفر میرسید. مطابق ارقام و احصائیه های ارائه شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱ در حدود هشت هزار هکتار زمین کوکنار زرع گردیده بود و بسال ۲۰۱۴ این رقم افزایش حاصل نموده و طی سال متذکره مزارع کشت کوکنار به ۲۲۴۰۰۰ هکتار زمین رسید. در اینجا جای تعجب اینکه فرمانده قوای بین المللی در افغانستان اظهار میدارد که در نتیجه فعالیتها و قربانیهای بی شمار خارجی در کشور، در وضع کنونی، افغانستان امن تر و نیرومند تر از گذشته میباشد.

بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده، چنین تشخیص نمود که تولید مواد مخدر در افغانستان " به یکی از عمده ترین معضلات در امر کنترل و مبارزه علیه مواد مخدر تبدیل گردیده است." ، اما بدون اندکترین لغزشی در مورد عدم درک این مسأله که شخص معتاد به مواد مخدر، در صورت عدم دسترسی به مواد متذکره، بدنبال دستیابی به مشروبات و دیگر مواد نشئه آور تلاش خواهد نمود، از اصل موضوع مورد بحث طفره رفت. مطابق اعلامیه نامبرده، مدت زمان ۱۵ سال از ۱۶ سال گذشته، افغانستان بمثابه بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان شناخته شد. اما این مسأله را باید متذکر گردید که در دوره ریاست جمهوری بارک اوباما، تولید مواد مخدر در کشور و تعداد مصرف کنندگان آن بمراتب افزایش حاصل نمود، نامبرده واقعیت سرسخت و دردناک متذکره را ماهرانه نادیده می گیرد. زمانیکه وی طی سال ۲۰۰۹ بقدرت رسید، تولید خشخاش در کشور در حدود ۴۰۰۰ تن تخمین گردید. طی سال قبل، این مقدار به ۶۴۰۰ تن افزایش حاصل نمود.

آیا این، پیشرفت محسوب می گردد؟

در اینجا این مسأله قابل یادآوری می باشد که در کنار موجودیت عوامل و موارد متذکره، بار اصلی و عمده جنگ بدوش نظامیان افغان قرار گرفته و این بخودی خود، قدرت نسبی نیروهای افغان است که با همه کمبودی های موجود، به مبارزه و مجاهدت علیه مخالفان مسلح می پردازند. متذکر باید گردید که موجودیت و بکارگیری قوای هوایی در مبارزه کنونی علیه مخالفان مسلح، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار میباشد که متأسفانه در این بخش قوای مسلح کشور با کمبودی های جدی مواجه می باشد.

در ماه مارچ سال روان، جنرال کمپل در کمیته دفاعی مجلس سنای ایالات متحده اظهار داشت مسأله ایکه بصورت دوامدار و همیشگی از جانب فرماندهان افغان مطرح میگردد، ضرورت پشتیبانی گسترده هوایی در مبارزه علیه مخالفان مسلح میباشد.

قوماندانهای نیروهای ایالات متحده - ناتو چنین میپندارند از آنجاییکه نیروهای مخالف از داشتن قوتهای هوایی محروم اند، بنأء موجودیت نیروهای هوایی قوای مسلح افغانستان، چندان لازمی پنداشته نمی شود.

اما این مسأله قابل یاددهانی می باشد زمانیکه نیروهای مسلح ایالات متحده - ناتو علیه مخالفان مسلح مبارزه می نمودند، از پشتیبانی هوایی بصورت کاملی برخوردار می گردیدند. زمانیکه تضمین پشتیبانی هوایی از نیروهای زمینی آنها در میان نمی بود، به هیچ نوع عملیات نظامی مبادرت نمی ورزیدند. آنها را همچنان زره پوشهای " هامر" و واحدهای توپچی، تانک، دهها دستگاه پرتاب راکت و هواپیماهای بدون سرنشین و دیگر ابزار و وسایل شگفت انگیز که توانایی تشخیص و از بین بردن حتی مورچه را در فاصله پنجاه میلی هم داشت، مجهز بودند.

طی ماه جنوری سال ۲۰۱۴، در یکی از جمله نشرات امریکایی، مطلبی بچاپ رسید که در بخشی از آن می خوانیم: " ما از نیروی نظامی درخشان در جهان برخوردار می باشیم که مجهز به کلیه وسایل و طریقه های مرگ آور بوده و همچنان حمایت های گسترده مالی را باخود بهمراه دارد و اصلاً شکست را در هیچ موردی پذیرا نمی باشد." ، اما برای همه این مسأله قابل تعجب بوده و مورد سوال قرار می گیرد که چرا در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی، صرف و تنها از توانایی هایشان در بخشهای مختلف و در مقابل، از کمبودی ها، از فقر، محنت، بیسوادی و جنگ و تشدد در افغانستان می نویسند، اما جنبه ها و بخشهای دیگر واقعیتهای موجود درکشور را اصلاً مطرح بحث قرارنمیدهند؟

در این مقطع متذکر باید گردید که پس از هر عملیات نظامی، آنها بصورت مستقیم نیرو و توان جنگی شانرا برخ دیگران می کشند، اما متذکر باید گردید که روزنامه " نیویارک تایمز" در ماه نوامبر سال جاری توضیحات فریبنده ای را بنشر رساند مبنی بر اینکه " اگر در شرایط قبلی در مرکز افغانستان (کابل)، حمله و یورش پرسرو صدای هواپیماهای امریکایی که در ارتفاع پایین پرواز می کردند، اکنون این پروازها بصورت بیشماری صورت گرفته که چنین حالتی بیش از پیش نارضایتی اهالی را ببار آورده است، هلیکوپترها بصورت گروپی، دوگانه و گاهی هم چهاربال و یا حتی شش بال همزمان به پرواز درمیآیند، چنین پروازها همه روزه از ساعت ۷ صبح آغاز و در طول روز الی تاریکی های شب ادامه می یابد . اینهمه پرواز برای چه؟

علت واضح و روشن می باشد، پس از چهارده سال جنگ و آماجیهای اردو و پولیس، نیروهای مسلح کشور، بسیار به مشکل میتوانند به تنهایی و بصورت مستقل و بدون پشتیبانی های قبلی در بسیاری از عرصه ها به نبرد علیه مخالفان ادامه دهند .

اینهم، نتیجه تقویت نظامی و همکاریهای حربی در مدت زمان ۱۴ سال جنگ و نبرد مرگ و زندگی در کشور(!)

دوم ماه دسامبر سال ۲۰۱۵